

آسیب‌شناسی تربیت معنوی - عبادی فرزند در خانواده هنگام ازدواج*

* خادم‌حسین فاضلی

** ابوالفضل ساجدی

چکیده

از دیدگاه اسلام، تشکیل خانواده و تربیت صحیح فرزند، جایگاه ویژه داشته و نردبان صعود شمرده شده است. موفقیت در تربیت عبادی - معنوی فرزند، به نبود عوامل آسیب‌زا در امر ازدواج و گزینش همسر بستگی دارد. از این رو، شناخت زمینه‌ها و عوامل آسیب‌زای این عرصه، هنگام ازدواج و پیش از آن، امری سرنوشت‌ساز می‌باشد. این پژوهش بر آن است که عوامل آسیب‌زا در تربیت معنوی - عبادی فرزندان آینده خانواده را، هنگام ازدواج و پیش از آن، از دیدگاه منابع دینی و از منظر کارشناسان امر، بازکاوی کند تا برای کسانی که در مسئله ازدواج، نسبت به همسر و تربیت فرزندان آینده‌شان دغدغه دارند راهگشا باشد. این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی، عوامل آسیب‌زای تربیت معنوی - عبادی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مواردی همچون: عدم تدبیر همسر، نابرابری اعتقادی و فرهنگی داوطلبان ازدواج، بداخلاقی، شراب‌خواری، نابرابری فکری زوجین، و نیز برخی بیماری‌های ارثی، ازدواج‌های تحمیلی و... از یافته‌های این تحقیق و از عوامل آسیب‌زا به‌شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، خانواده، عوامل آسیب‌زا، تربیت، فرزند، عبادی و معنوی.

* این مقاله بخشی از طرح پژوهشی «تربیت دینی و شاخص‌های آن» است که برای مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در حال انجام است.

** کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

** دانشیار گروه کلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

sajedi@qabas.net

پذیرش: ۹۲/۶/۱۳

دریافت: ۹۱/۳/۱۸

مقدمه

چه بسا صفتی را از شرایط ضروری همسر می‌پندارند، حال آنکه آن ویژگی از مزایای ضروری نیست. نیز گاهی در اثر جهالت، ویژگی‌های منفی همسر را، مورد غفلت قرار می‌دهند، در نتیجه، ازدواج و تربیت معنوی - عبادی فرزندان آینده‌شان، با دشواری‌هایی مواجه می‌شود.

نوشتار حاضر، با بیان ویژگی‌های ناشایسته همسران و عوامل آسیب‌زای تربیت عبادی - معنوی فرزندان، به جوانان کمک خواهد کرد تا در پیوند زناشویی، در کمند همسران ناباب گرفتار نیایند.

همان‌گونه که افراد هنگام ازدواج، برای پیوند با همسر شایسته، تلاش می‌کنند، لازم است همان‌گونه نیز از ازدواج با افراد دارای اوصاف ناشایست، خودداری ورزند؛ زیرا ازدواج باید استحکام‌بخش پایه‌های ایمان باشد. فرزندان آینده، به‌مثابه میوه‌های پیوند زناشویی هستند، و همسر ناشایست همانند درخت ناسالم میوه سالم نخواهد داد. والدین زمانی می‌توانند فرزندان بالنده برجای گذارند و آنان را به مقامات معنوی و عبادی برسانند که خود نیز دارای اوصاف نیک باشند. اگر پدر و مادر، ناشایسته باشند، بعید است که فرزندانشان به خوبی تربیت شوند. بدین‌روی، در آموزه‌های دینی، به پرهیز از انتخاب همسران ناباب، تأکید شده است.

پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: اگر قرار است فرزندان با هویت معنوی - عبادی پرورش یابند، از دیدگاه اسلام، عوامل آسیب‌زای این مهم، یا نبایدهای زن و مرد در ازدواج کدام هستند؟

در پی این پرسش، سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح است؛ ازجمله:

۱. اسلام برای نیفتادن به کسب ناهل در ازدواج و جلوگیری از شکست زوجین، در تربیت عبادی - معنوی فرزندان آینده، چه راه‌کارهایی پیشنهاد می‌کند؟

حفظ سلامت خانواده و تربیت عبادی - معنوی فرزند، باید پیش از تشکیل خانواده و زمان ازدواج، پیش‌بینی شود. بدین‌روی، اسلام به پرهیز از گزینش همسران بی‌ایمان، بداخلاق، ناپاک، فاسق و... توصیه‌هایی دارد. دین همان‌گونه که ضوابطی را برای گزینش همسر شایسته ذکر کرده، صفت‌های ممنوعه و نبایسته‌های همسر را نیز تذکر داده است؛ و این، با هدف حفظ سعادت خانواده و تربیت معنوی - عبادی فرزندان آینده می‌باشد.

ازدواج، بزرگ‌ترین حادثه زندگی است که موفقیت یا شکست در آن، سرنوشت‌ساز می‌باشد. بر هر پسر و دختری لازم است که پیش از ازدواج، درباره ویژگی‌های همسر نامناسب و غیرلایق، اطلاعات لازم را به دست آورند تا در دام آنان گرفتار نیایند؛ چراکه اگر زن یا شوهر به وظایف اسلامی و اخلاقی خود ناآگاه باشند و یا بدان عمل ننمایند، کانون خانواده، گرم و با صمیمیت نبوده و فرزندان خانواده نیز بی‌شخصیت و بیگانه از مسائل عبادی - معنوی، به بار خواهند آمد. اگر سردی و بی‌رغبتی بر خانواده سایه افکند، فرزندان نیز بی‌معنویت و دین‌گریز، پرورش می‌یابند. اسلام، از گروه‌هایی نام می‌برد که باید از پیوند با آنان خودداری شود. «فلسفه این نهی آن است که فرزند امانت الهی است. برای حفظ این امانت الهی باید در برگزیدن همسر - که پدر و مادر آینده است - دقت کرد تا این امانت الهی هدر نرود» (ایمانی، ۱۳۸۱، ص ۶۸). افزون بر دقت داوطلب ازدواج به شناخت نبایدهای همسر، والدین پسر و دختر نیز باید بکوشند فرزندان خود را به کسانی نسپارند که آنان را از اسلام، ایمان و اخلاق نیک، و تربیت معنوی - عبادی بازدارند.

برخی داوطلبان ازدواج، بدون توجه به پیامدهای منفی آن، از روی سلیقه، به این امر سرنوشت‌ساز اقدام می‌کنند، درحالی‌که از ویژگی‌های بد یک همسر بی‌اطلاعتند. آنان

احسانی. این پژوهشگران غالباً به عوامل تربیت در خانواده پرداخته‌اند. با بررسی کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها، می‌توان گفت: متأسفانه در زمینه عوامل آسیب‌زا و یا موانع تربیت عبادی - معنوی فرزند در خانواده، هنگام ازدواج و پس از آن، تحقیق مستقلی انجام نیافته است.

این مقاله از میان مسائل پراکنده که در پژوهش‌ها دنبال شده، بیشتر به بیان عوامل آسیب‌زای تربیت عبادی - معنوی در خانواده هنگام ازدواج، ارائه راه‌های پیش‌گیری از آنها، و پرهیز از گزینش همسران ناباب پرداخته است. شاید رویکرد آسیب‌شناختی همسرگزینی، بیشتر از منظر دینی، از ویژگی‌های این نوشتار باشد.

آسیب‌های پیش از ازدواج

آسیب‌های موردنظر، برخی به مقام نظر و برخی به عمل مربوط است. این از آن‌روست که انتخاب همسر، تار و پودی درهم‌تنیده از نظر و عمل است. برخی از لغزش‌های ازدواج، حاصل کج‌اندیشی در مقام نظر و برخی دیگر نتیجه کج‌روی در عرصه عمل است. با توجه به تعامل و درهم‌تنیدگی عمل و نظر، آسیب‌های شناختی به صورت بافت‌های پیچیده و تودرتو آشکار می‌گردند که در آنها، عمل و اندیشه یکدیگر را تقویت نموده و سبب لغزش در گزینش همسر می‌شوند. در خانواده دینی، سعی بر آن است که ازدواج با موفقیت همراه باشد، اما گاهی این سعی، با بن‌بست‌هایی روبه‌روست. بسیاری ناکامی‌های تربیت معنوی - عبادی فرزند، از سوءفهم و عمل در هنگام ازدواج نشئت می‌گیرد. بررسی این ناکامی‌ها، در گرو شناخت منشأ آسیب‌های ازدواج است، همچنان‌که رفع این آسیب‌ها در گرو مشخص ساختن شاخصه‌های ازدواج سالم است. از این‌رو، می‌توان آسیب‌های تربیت معنوی - عبادی فرزندان، هنگام ازدواج و پیش از آن را به دو ساحت شناخت و رفتار به صورت ذیل تقسیم نمود:

۲. مسئولیت پدران، مادران و خویشاوندان، در باب پیوند زناشویی دختر و پسر، برای جلوگیری از آسیب‌های تربیت معنوی - عبادی فرزندان آنها چیست؟

۳. راهکار پیشنهادی اسلام در همسرگزینی، در چه عرصه‌هایی قابل بیان است؟

اهداف پژوهش

مهم‌ترین اهداف این پژوهش عبارتند از:

- کشف و به دست دادن راه‌های پیش‌گیری از ابتلا به عوامل آسیب‌زا در تربیت عبادی - معنوی فرزندان خانواده، پیش از ازدواج و هنگام آن، با تکیه بر آموزه‌های اسلامی؛
- بازشناسی داده‌های و حیاتی، در پرهیز از گزینش همسران با اوصاف بد و پیرایه‌های پلید؛

- آسیب‌شناسی ازدواج، از نگاه درون دینی و کارشناسان امور، و ارائه راه‌حل‌های عملی و نظری، به زوجین و پدران و مادران؛

- توصیف و شناسایی ناهنجاری‌ها و نبایدهای زوجین که می‌تواند خانواده نوین را به سقوط بکشاند و به شکل‌گیری فرزندان دور از معنویت و عبادت منتهی شود.

درباره موضوع موردنظر، هرچند مطالبی بسیار کم و پراکنده در کتاب‌هایی که پیرامون تشکیل خانواده نگارش یافته‌اند، وجود دارد. کتاب‌ها و مقالات منتشرشده در این زمینه، بیشتر به عوامل و جنبه‌های مثبت زوجین، پرداخته‌اند. برخی از این آثار عبارتند از: انتخاب همسر و ازدواج؛ موانع و راه‌حل‌ها، تألیف آیت‌الله ابراهیم امینی؛ شیوه همسررداری، نوشته علامه فضل‌الله؛ بررسی ابعاد تربیتی و روان‌شناختی دوران عقد از محسن ایمانی؛ نظام خانواده در اسلام نوشته احمد بهشتی؛ نظام خانواده در اسلام تألیف باقر قرشی؛ همسران سازگار و مهارت‌های سازگاری، نوشته علی حسین‌زاده؛ پیوند آسمانی، از احمد حبیب‌زاده؛ و نقش مادران در تربیت دینی نوشته محمد

الف. آسیب‌های شناختی

ممکن است بدون شناخت، اقدام به انتخاب همسر کنند و در نتیجه، با افتادن در کمند همسران ناهل، با مشکلاتی روبه‌رو گردیده و نسلی فاسد به جامعه تحویل دهند. مرد داوطلب ازدواج، باید تأمل کند که سرنوشت زندگی فرزند آینده‌اش را در دست چه زنی قرار می‌دهد، و زن نیز فکر نماید که چه شوهری را برای زندگی و پرورش فرزندش انتخاب می‌کند. بدین‌روی، اسلام همسر بد را از خاک هم پست‌تر دانسته است. در این زمینه، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «و اما زنان بد، ارزش خاک هم ندارند؛ زیرا خاک از آنها بهتر است» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۱۰۰، ص ۲۳۳).

۳. گزینش همسر غیر دین‌مدار

یکی از عوامل مهم آسیب‌زا که استحکام خانواده و نیز تربیت معنوی - عبادی فرزندان آینده را تهدید می‌کند، نبود باورهای دینی و مذهبی در زن و مرد داوطلب ازدواج است. زن و مردی که دچار «بحران ارزش‌های دینی» شده‌اند، ازدواجشان تا چه حد موفق خواهد بود و چه مقدار انتظار تربیت معنوی - عبادی فرزندان آینده از آنان می‌رود؟ زن و مردی که خدا از زندگی‌شان غایب است، چگونه می‌توانند فرزندان بامعنویت و اهل عبادت به جامعه تحویل دهند؟

از رسم‌های نیک هنگام عقد ازدواج، گذاشتن قرآن بر سر سفره عقد است. این به معنای آن است که زن و شوهر، دستورات قرآن را مبنای عمل خود قرار داده و کتاب خدا را در زندگی مشترک معیار قرار می‌دهند. حال اگر آنان در اصل اعتقاد، نسبت به باورهای دینی سست و بی‌ریشه باشند، سلامت خانواده و تربیت معنوی - عبادی فرزندان به خطر می‌افتد. زمانی که ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای داوطلبان ازدواج، بر اساس تجمل‌پرستی، لذت‌طلبی و مادی‌گرایی استوار باشد، بی‌شک، روابط زوجین از معنویت تهی خواهد بود و این از آسیب‌های بزرگ تربیت

اسلام به مرد و زن مسلمان، اجازه انتخاب هر همسری را نمی‌دهد؛ چون در ازدواج، باید رضایت خداوند، خیر دنیا و آخرت و پاک ماندن زوجین و نیز تربیت معنوی - عبادی فرزندان، در نظر گرفته شود. اما گاهی داوطلب ازدواج، به دلیل عدم شناخت، در ساحت همسرگزینی مرتکب اشتباه‌های جبران‌ناپذیر می‌شود. در ذیل، به برخی از آسیب‌های شناختی پیش از ازدواج اشاره می‌شود:

۱. عدم شناخت درباره اصول زندگی مشترک

در برخی موارد، به علت عدم شناخت زن و شوهر نسبت به یکدیگر، عدم آگاهی نسبت به اهداف و انگیزه‌های ازدواج، بی‌انصافی‌ها، پیش‌داوری‌ها، عدم احساس مسئولیت، و بی‌توجهی به اصول اخلاقی، بنیاد ازدواج متزلزل می‌گردد. مهم‌ترین امری که سبب آسیب‌پذیری می‌شود، عدم شناخت اصول زندگی مشترک و یا انحراف از هدف ازدواج است. دختر و پسری که هدف‌های ازدواج را نشناخته‌اند و نمی‌دانند که در کدام مسیر باید حرکت کنند و کدام روش و ابزار را برای نیل به هدف انتخاب کنند، با آسیب جدی روبه‌رو هستند؛ درحالی‌که توانایی در دانایی است. برای ازدواج و زندگی مشترک موفق، کسب دانایی‌هایی لازم است و باید مانند هر امر دیگر، مهارت‌هایی را کسب کرد، وگرنه ازدواج و سرانجام تربیت فرزندان، به‌ویژه تربیت معنوی و عبادی آنان، به شکست منتهی خواهد شد.

۲. جهل به اوصاف همسر نامناسب

یکی از آسیب‌های تربیت معنوی - عبادی فرزندان آینده، جهل به اوصاف همسر نامناسب، هنگام ازدواج می‌باشد. این جهالت سبب می‌شود که افرادی در ازدواج، به نبایدهای همسر و تربیت نسل آینده، اندیشه ننمایند. انسان‌های نادان که اسیر هواها و مغلوب شهوت‌اند،

معنوی - عبادی فرزند می‌باشد.

گزینش همسر غیردین‌مدار آفت بزرگ است؛ زیرا دو شریک زندگی، تحت تأثیر افکار و رفتار یکدیگر قرار می‌گیرند. همسر بی‌ایمان، شریک زندگی را به گناه تشویق نموده و زمینه کجروی را فراهم می‌سازد. خانواده‌هایی که زن یا شوهر، و یا هر دو، غیر دین‌مدارند، نمی‌توانند فرزندان متدین و با معنویت تحویل جامعه دهند؛ چون سستی در دین‌مداری، تربیت معنوی - عبادی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا دین مهم‌ترین پشتوانه تربیت عبادی و معنوی است (ساجدی و مشکئی، ۱۳۸۷، ص ۴۲-۵۵). از دیدگاه دین، با هر کسی و دارای هر نوع اعتقاد، نمی‌توان ازدواج کرد. اسلام، پیوند مسلمان با اهل کتاب را به صورت دائم و ازدواج با زنان مشرک را به طور دائم و موقت، مشروع نمی‌داند؛ زیرا زن مشرک و بی‌ایمان، کفویت با مؤمن را ندارد. قرآن می‌فرماید: «با زنان مشرک ازدواج مکنید، مگر اینکه ایمان آورند. همانا کنیزکی باایمان از زن آزاد مشرک بهتر است، هرچند [زیبایی] او، شما را به شگفتی آورد» (بقره: ۲۲۱).

اگر دختری، تنها دنبال پسری خوش‌قیافه، دارای منزل و شغل پردرآمد باشد یا اینکه پسر، همسری را برگزیند که جهیزیه خوب و ثروت کلان داشته باشد و از دین‌داری چشم‌پوشی کنند، زندگی گرم و فرزندان اهل طاعت نخواهند داشت. تهی بودن مبنای ازدواج از معنویت، سرانجامی جز پوچی ندارد. والدین هم موظفند فرزندان خود را از انتخاب همسر ناشایست و فاسق که نسبت به وظایف معنوی، دینی و اخلاقی اهتمام لازم را ندارد، جلوگیری کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به کسی که دخترش را به ازدواج مرد فاسقی درآورد هشدار می‌دهد و این عمل او را موجب لعن شدن پدر، مستجاب نشدن دعاهای او و پذیرفته نشدن اعمال او می‌داند.

ایمان‌داری در روابط زناشویی، از نظر معنادهی به

زندگی، انجام واجبات و ترک محرمات، در خانواده اثرگذار است (حیدری، ۱۳۸۵، ص ۲۰-۳۳). در یک بررسی که گلن و ویور انجام داده‌اند، انجام اعمال مذهبی - از جمله رفتن به کلیسا - بیش از هر چیز، رضامندی از ازدواج را پیش‌بینی می‌کند (غباری بناب، ۱۳۷۴). از نظر اسلام، ازدواج تنها با هدف برآوردن غریزه جنسی نیست، بلکه باید دژی باشد که از زوجین پاسداری نماید. همسر بی‌اعتنا به باورهای دینی، شریک موفق نخواهد بود. بدین‌روی، مؤمنان از ازدواج با زنان بی‌دین نهی شده‌اند، هرچند که آنان زیبا باشند (بقره: ۲۲۱). پیشوایان معصوم علیهم السلام پیروان خود را از انتخاب همسران غیردین‌مدار برحذر داشته‌اند. مردی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره همسرگزینی مشورت نمود. حضرت فرمود: «ازدواج کن، ولی بر تو باد که با زن دیندار و باایمان ازدواج کنی» (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۳۰).

۴. ناهمسویی زوجین در هدف

همان‌گونه که داشتن هدف در ازدواج ضروری است، وجود هدف مشترک و همسویی آن ضروری‌تر می‌باشد. بدین لحاظ، کسانی که قصد ازدواج دارند، در قدم اول باید از همسویی و هدف مشترک، توانایی، علایق و استعداد یکدیگر شناخت پیدا کنند و در صورت شناخت از امور فوق و درک متقابل یکدیگر، اقدام به ازدواج نمایند. عدم توجه به شناخت امور فوق، آسیب تربیتی دارد. برای مثال، اگر داوطلبان ازدواج، هدف همگون و مشترکی نداشته باشند، زندگی آینده‌شان پایدار نبوده و نیز به تربیت معنوی - عبادی فرزند نخواهند رسید؛ چون شوهر و همسر، هریک به راهی خواهند رفت، و به مرور زمان فاصله‌هایشان بیشتر می‌شود و در روابط با یکدیگر دچار مشکل می‌گردند؛ چراکه لازمه دست یافتن آنان به هدف خود، دور شدن از دیگری است. شرط لازم برای دوام

نداشته باشد، یا اینکه دختر اهل قناعت، ولی پسر ولخرج باشد - چنین زندگی فرجامی ندارد. نبود توافق اخلاقی، افزون بر اینکه آسیب آرامش روحی در خانواده به‌شمار می‌رود، از عوامل آسیب‌زای تربیت معنوی - عبادی فرزندان نیز می‌باشد؛ چون در این صورت، زمینه به وجود آمدن تربیت معنوی - عبادی فرزندان فراهم نمی‌گردد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «بدترین همسر، زنی است که [با شوهر خود] ناموافق باشد» (نسوری، بی‌تا، کتاب نکاح، باب ۷).

۶. نابرابری فکری و فرهنگی

دختر و پسری که داوطلب ازدواج‌اند، نباید از نظر فکری و فرهنگی نابرابر باشند؛ چون نابرابری فکری و فرهنگی زن و شوهر، موجب ناسازگاری آنان می‌شود. ناهمگونی فرهنگی، یکی از شاخص‌هایی است که زوجین را از یکدیگر دور می‌کند؛ زیرا ازدواج نوعی ترکیب بین دو انسان است؛ هر مقدار زمینه یکسانی بین زوجین بیشتر باشد، ترکیب استوارتر بوده و هر قدر عوامل ترکیبی کمتر باشد استحکام این پیوند، متزلزل خواهد بود. روان‌شناسی ازدواج حکم می‌کند که باید عوامل همسانی بیشتر رعایت شود. اگر زن و شوهر از نظر فکر و فرهنگ نابرابر باشند، زندگی، به نزع منجر گردیده (حیدری، ۱۳۸۵، ص ۷۵)، زوجین به اهداف ازدواج، از جمله تربیت معنوی و عبادی فرزندان، دست نخواهد یافت.

زن و مردی که نابرابری فکری و فرهنگی دارند، در بسیاری از مسائل با یکدیگر توافق ندارند؛ مانند رفتن و یا نرفتن به مراسم مذهبی، و یا مجالسی که در آن هنجارهای مذهبی نادیده گرفته می‌شود، نحوه مراد با نامحرم‌ان، گذشت و عدم گذشت، تهمت زدن به دیگران و درآوردن پول حلال و یا حرام. عدم موافقت زوجین در این‌گونه موارد و یا موارد مشابه، می‌تواند سبب اختلافات میان

حیات خانواده، و تربیت معنوی - عبادی فرزندان، وحدت در هدف و همسویی آن است. بدون داشتن هدف مشترک، امکان ادامه زندگی خانوادگی میسر نبوده و یا دست‌کم دشوار است.

نداشتن عقاید مشترک، تشخیص ندادن حق از باطل، رقم زدن زندگی مشترک بر اساس عقل و منطق، و عدم همکاری در «بِرِّ و تقوا» موجبات ناهمسویی در هدف را فراهم می‌کند. برای مثال، اگر زوجین از عقل بهره‌نگیرند، انتخاب اهداف نامعقول، عدم رضایت از زندگی و یا نزاع خانوادگی پیش خواهد آمد. در چنین فضایی، امید به آینده روشن و یا توفیق یافتن در تربیت معنوی - عبادی فرزندان آینده، تصویری واهی خواهد بود. اما اگر همسویی، منطق و عقل بر رفتار و گفتار طرفین حاکم باشد، هر دو به تعیین اهدافی مشترک، از جمله تربیت سالم فرزندان می‌پردازند و برای دستیابی به آن و مقابله با موانع موجود تلاش می‌نمایند.

هر قدر هدف‌های زوجین، همگون‌تر باشد، هم‌کفو تر بوده و امکان بیشتری برای تداوم حیات مشترک و تربیت معنوی - عبادی فرزندان موجود خواهد بود؛ چراکه آنچه رازن می‌گوید، شوهر می‌خواهد و آنچه را شوهر اظهار می‌دارد، زبان حال زن او خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «به هم‌شان [و هم هدف] خود زن بدهید و از هم‌شان [و هم‌هدف] خود زن بگیریید و برای نطفه‌های خود [جایگاه مناسب] انتخاب کنید (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۹).

۵. غفلت از توافق اخلاقی

یکی از آسیب‌های تربیت معنوی - عبادی فرزندان، نبود توافق اخلاقی بین زوجین است. اگر دختر و پسر در امور دینی، نحوه زندگی، و در ارزش‌های مورد قبول خانواده، به یکدیگر نزدیک نباشند - مثلاً، پسر به حجاب، نماز و احکام شرعی معتقد باشد، ولی دختر چنین عقیده‌ای

فرزند خداپرست و عابد، مطلوب خالق عالم است. وجود فرزند صالح برای والدین، عمل خیر بوده که در سعادت هر دو جهان آنان اثر دارد. فرزند نیک، خانواده را دلگرم می‌کند و به زندگی صفا می‌بخشد. از همین روست که در احادیث، وجود فرزند به‌عنوان یکی از اهداف ازدواج بیان شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «ازدواج کنید تا صاحب فرزند شوید و بر تعداد شما افزوده شود؛ زیرا من در قیامت با امت‌های دیگر به وسیله کثرت شما مباحثات می‌کنم. حتی به وسیله فرزندی که ساقط شده است» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰). اگر دو همسر هنگام ازدواج، به تربیت فرزند صالح و امور معنوی - عبادی او اندیشه نمایند؛ بلکه تنها در پی ارضای امور جنسی و خاموش‌سازی احساسات جوانی باشند، زمینه موانع و آسیب تربیت فرزند در خانواده پی‌ریزی می‌شود.

ب. غفلت از اطاعت و نیل به ثواب: برخی افراد، در امر ازدواج به مسئله ثواب و نیل به اطاعت خداوند، توجه ندارند، بلکه تنها به امور شهوانی می‌اندیشند. درحالی‌که از منظر اسلام، ازدواج امری است ارزشمند که اگر با قصد قربت انجام یابد، عبادت محسوب گردیده و پاداش اخروی دارد. افزون آنکه انسان مؤمن، با داشتن همسر مؤمن، می‌تواند در طریق انجام وظیفه، از تشویق و کمک‌های او بهره‌مند گردد. ازاین‌رو، همسر شایسته و مؤمن از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که برای دنیا و آخرت انسان سودمند خواهد بود، و حتی روابط زناشویی نیز می‌تواند با انگیزه الهی، باعث نزدیک شدن انسان به خدا باشد. ابوذر غفاری به رسول خدا ﷺ عرض کرد: آیا ممکن است که ما از نزدیکی با همسرانمان لذت ببریم و پاداش و ثواب هم داشته باشیم؟ حضرت فرمودند: اگر همین عمل را به صورت غیرمشروع انجام می‌دادی، آیا گناهکار نبودی؟ عرض کرد: آری گناهکار بودم. حضرت

آنان شود. در این صورت، زندگی پایدار زن و شوهر، ازجمله تربیت معنوی - عبادی فرزند، آسیب می‌بیند؛ چون با ناهمسانی فرهنگی، هرکدام از زن و مرد، به روش خود، فرزند را تربیت خواهد کرد. با اختلاف روش، تربیت معنوی - عبادی محقق نخواهد شد، چنان‌که در ساختن ساختمانی یکی از مهندسان بخواهد با قوانین درست، ساختمانی با استحکام بسازد، ولی شریک دیگر، برابر میل خود بخواهد همان ساختمان را به گونه‌ای دیگر بسازد. ازاین‌رو، چنانچه میان زن و مرد سنخیت فکری و فرهنگی وجود داشته باشد، مانعی کمتر برای تربیت فرزند وجود دارد. زمانی زیان نابرابری فکری و فرهنگی، نمایان‌تر می‌شود که زوجین، اصلاً اعتقاد همدیگر را قبول نداشته باشند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زن عارفه بایستی در کنار مرد عارف قرار گیرد و نه در کنار غیر آن».

۷. جهل نسبت به اهداف متعالی ازدواج یا غفلت از

آنها

از دیدگاه دین، مهم‌ترین هدف ازدواج، حفظ ایمان و تربیت نسل است. در زمانه حاضر، غالب ازدواج‌ها بر مبنای امور مادی و انگیزه‌های سکولار، صورت می‌گیرد، درحالی‌که در گذشته هدف دینی بیشتر موردنظر بود. به همین دلیل، حرمت خانواده‌ها محفوظ بود و ازدواج‌ها کمتر به طلاق منجر می‌شد، و نیز پدران و مادران در تربیت معنوی - عبادی فرزندان موفقیت بیشتر داشتند. اما اکنون که هدف ازدواج، به اشتباه موردنظر قرار می‌گیرد، فرجام بسیاری ازدواج‌ها در امور تربیت فرزند و سعادت خانواده به‌صورت نیک خاتمه نمی‌یابد. جهل به اهداف ازدواج، در امور ذیل نمود می‌یابد:

الف. عدم توجه به تولید نسل: ثمره ازدواج، وجود فرزند است. تولید نسل اهمیت شایان دارد؛ زیرا هدف خلقت جهان و کیهان، وجود انسان و پرورش اوست. تربیت

فرمود: پس اگر از طریق مشروع باشد، اجر و پاداش خواهی داشت (نوری، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۱).

۸. جهل به پیامدهای امور وراثتی

گاهی در ازدواج، مسئله وراثت مورد غفلت داوطلبان قرار می‌گیرد. جهل به عوارض بیماری‌هایی که از راه «ژن والدین» به فرزندان می‌رسند، سبب بیماری آنان می‌شود. عدم آگاهی از این آسیب نیز مانع بزرگ در راه تربیت معنوی - عبادی فرزندان می‌باشد؛ چون فرزند، نمادی از پدر، مادر و خانواده خویش است. خمیرمایه هرکس، از خانواده به وجود می‌آید. نه تنها بیماری یا سلامتی والدین، در آینده وجود فرزند نمایان می‌شود، بلکه دایی و بستگان همسر نیز در تشکل خصوصیات فرزند نقش دارند. با ازدواج، نسل آدمی، مانند حلقه‌های زنجیر، به هم ارتباط می‌یابند؛ همسر که جزو خانواده و شاخه‌ای از همان درخت است، بیماری خانواده و صفات فامیل را از راه وراثت و محیط زندگی در خود جذب نموده، سپس به فرزند منتقل می‌کند. رسول خدا ﷺ فرمود: «در دامن خانواده‌ای شایسته (و سالم) ازدواج کنید زیرا عرق (نطفه و ژن‌ها) تأثیر می‌گذارند» (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۱۹۷). آن حضرت در جای دیگر فرمود: «برای نطفه‌های خود جای مناسب انتخاب کنید؛ زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می‌آورند.»

امور وراثتی، در امور ذیل می‌توانند در فرزندان تأثیرگذار باشند:

الف. بعد روحی و اخلاقی: فضای روحی، اخلاقی و عاطفی خانواده، تأثیر ژرف در ساختار شخصیت کودک دارد (فضل‌الله، ۱۳۷۳، ص ۳۵). بدین‌روی، نباید با افرادی که دچار ناراحتی روحی و خودخوری هستند ازدواج نمود؛ چراکه بیماران روحی، دایم در خود رنج و تلخی احساس می‌کنند (قرشی، ۱۳۸۹، ص ۴۱). مرد دیوانه نمی‌تواند

نقش همسر خوب را برای زن و یا نقش پدر آرمانی را برای فرزند ایفا کند، و یا زن غیرعادل نمی‌تواند مادر خوبی باشد. بدین‌خاطر، روایات، ازدواج با افرادی را که از نظر روحی کمبود دارند منع کرده است. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توان با زن دیوانه، ولی زیبا ازدواج کرد؟ ایشان فرمودند: خیر (حرّ عاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۵۷).

ب. بعد فیزیکی و جسمی: سلامت جسم، از نعمت‌های الهی است و در همسر کمال محسوب می‌شود. بیماری‌هایی همچون جذام، پیسی و سل نقص بزرگی در همسر هستند. اسلام می‌خواهد مسلمانان نسلی سالم داشته باشند. زوجین سالم بهتر می‌توانند امور زندگی را اداره کنند، اما نباید از نظر دور داشت که افراد بیمار و یا ناقص‌العضو نیز انسانند و نیاز به ازدواج دارند. آنان هم می‌توانند خود را با شرایط زندگی تطبیق دهند؛ چون مهم‌ترین معیار در ازدواج، دین‌داری، عقل، و نجابت است و افراد معلول و بیمار نیز می‌توانند این فضایل را دارا باشند (امینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). چه بهتر که افراد ایثارگر با ازدواج با آنان، رضایت پروردگار را جلب کنند (همان). در عین حال، طبیعی است که معلول و بیمار غالباً نمی‌تواند در اداره امور خانواده جدیت کند؛ بدین‌روی، همسر ناگزیر است سختی‌های زندگی را تحمل نماید، و عیب‌جویی‌های افراد نادان را نیز در نظر بدارد. بدین‌خاطر، چنین ازدواجی باید بر اساس تحمل استوار باشد، نه بر مبنای احساسات و عواطف زودگذر، تا مبادا، بعداً با بهانه‌گیری قلب لطیف انسانی را به درد آورد. باید در آغاز، دشواری‌ها را سنجید و سپس وارد عمل شد.

اما از ازدواج با افرادی که مبتلا به بیماری‌های مُسری و خطرناک هستند، باید دوری گزید؛ چراکه پیامدهای خطرناکی را، به‌ویژه از نظر جسمی و تربیتی، برای فرزندان به دنبال خواهد داشت.

ب. آسیب‌های گرایشی

۱. عشق محوری کورکورانه

در مواردی پسر و دختر، تحت تأثیر جاذبه‌های سطحی، بدون شناخت عقلانی، دل‌باخته یکدیگر می‌شوند. مثلاً، پسری در خیابان و یا اتوبوس دل‌داده دختری گردیده، در پی آن ازدواج صورت می‌گیرد. پیگیری دل‌دادگی زودگذر، فرجام خوبی ندارد. اگر ازدواج، بر پایه احساسات و عوامل سطحی انجام یابد، دوامی نخواهد یافت. مطایبه‌های زودگذر، چند صباحی شیرین‌کننده زندگی است، اما سرانجام آن سیه‌روزی است. اگر تشکیل خانواده، بر مبنای درک عقلانی نباشد، زوجین، در تربیت معنوی - عبادی فرزند توفیق نخواهند داشت.

زوجین در دوره عقد و در تمام دوران زندگی، باید با عقلانیت حرکت کنند و بُعد عقلانی وجود خویش را تعالی بخشند؛ زیرا آنان در پرتو روش‌های عقلانی و اتخاذ رویه‌های مناسب و معقول، فشار روانی کمتری داشته، به آرامش روانی دست می‌یابند (ایمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷). ازدواج‌هایی که تنها با آشنایی در کوچه، دیدن در دانشگاه، تماس تلفنی و یا ملاقات در پارک، پایه‌گذاری می‌شوند، جلوه‌هایی از ازدواج ناموفق به‌شمار می‌روند (به‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۲۱-۲۲)؛ چراکه در آنها، دیدگاه دینی یا صلاح‌دید افراد با تجربه لحاظ نشده است. چنین سهل‌انگاری، عواقبی سوء در پی دارد. از کجا معلوم که پیش‌تر چنین پیشنهادی از سوی فرد موردنظر، به دیگران داده نشده باشد؟! گاهی انسان برای تهیه یک دست لباس، ساعت‌ها وقت صرف می‌کند و از دیگران نظر می‌خواهد، حال آنکه تحقیق درباره همسر، که عمری باید با او زندگی کرد و مهم‌تر آنکه نسلی را همراه با تربیت معنوی - عبادی، به جامعه تحویل داد، به مراتب ضروری‌تر است.

۲. ثروت محوری

از آنجاکه برخی افراد، شناختشان بر مبنای ثروت شکل گرفته، شخصیت دیگران را در دارایی ایشان می‌دانند و در پی آن، اقدام به ازدواج با فرد پولدار می‌نمایند. مثلاً، چون فلان کس دارایی دارد، مشتاق ازدواج، با او می‌شوند، درحالی‌که ثروت امری ناپایدار بوده و سعادت واقعی، در سایه آن میسر نیست. مسلمان حق ندارد دختری را به خاطر دارایی کسی، به نکاح وی درآورد، هرچند ممکن است دارایی مزیتی محسوب شود. برخی والدین، اگر عروس یا داماد ثروتمندی یافتند، فرزند را مجبور به پذیرش ازدواج می‌کنند، گرچه آنان رغبتی به آن نداشته باشند (امینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). اگر همسری که دل‌بسته زورآلات و مادیات است نمی‌تواند شریک خوب زندگی باشد و آسایش فکری را برای شوهر و فرزندان فراهم سازد. بدین‌روی، اگر مال و ثروت انگیزه انتخاب همسر باشد، و نه رضایتمندی خداوند و تربیت معنوی - عبادی فرزند، برابر منابع دینی، این مسئله توفیقی را به دنبال ندارد؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس با زنی برای ثروتش ازدواج کند، خداوند وی را به همین امر واگذار می‌کند. و هرکس به خاطر جمالش ازدواج کند به چیزی می‌رسد که از آن کراهت دارد و هرکس برای دین‌داری ازدواج کند، پروردگار هر سه را برایش جمع می‌کند» (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۳۱).

با توجه به اینکه هدف خلقت آدمیان، انجام عبادت در محضر پروردگار و تربیت معنوی - عبادی است، خداوند می‌فرماید: «جَنِّیان و آدمیان را جز برای عبادت و پرستش نیافریدم» (ذاریات: ۵۶).

روشن است که عبادت الهی بدون تربیت معنوی - عبادی مصداق نمی‌یابد. از این‌رو، هدفی در کارها، از جمله ازدواج، شایسته برگزیدن نیست، جز آنکه در مسیر برقراری معنویت و عبادت خداوند قرار گیرد. اگر انسان به

ج. رفتارهای آسیب‌زا در تربیت معنوی - عبادی

فرزند هنگام ازدواج

۱. پیوند با خانواده نانجیب

یکی از عوامل آسیب‌زا در تربیت معنوی - عبادی فرزندان، ازدواج با همسر نانجیب است؛ چراکه رفتار و گفتار خانواده نانجیب، بر تکوین شخصیت دختر و یا پسر اثر می‌گذارد (فضل‌الله، ۱۳۷۳، ص ۳۵). اسلام به مرد مسلمان اجازه نمی‌دهد با زنی که از لحاظ اصل و نسب، فرومایه است ازدواج کند. شوهر یا همسری که در خانواده بی‌ریشه خو گرفته، فرزندان خود را از صفات زشت و اعمال اکتسابی شرارت‌آمیز، تغذیه خواهند کرد (قرشی، ۱۳۸۹، ص ۴۱). ازدواج، با افراد نانجیب، پیامدهای منفی دارد؛ چراکه بر اساس نظر دانشمندان علم وراثت، طبیعت و خصلت‌های خانواده والدین، بر فرزندان منتقل می‌شود. قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان خداوند می‌روید، اما سرزمین بدطینت و شوره‌زار، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید» (اعراف: ۵۸).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ای مردم! از سبزه مزبله حذر کنید! پرسیدند: ای فرستاده خدا! سبزه مزبله چیست؟ فرمود: زن زبیا روی که در خانواده رذل و فرومایه پرورش یافته است (کلینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۳۲).

پسر یا دختر داوطلب ازدواج، در پیوند خود با خانواده‌های معتادان، سارقان و اشرار، چگونه می‌توانند فرزندان صالح و آشنا با امور معنوی - عبادی تحویل جامعه دهند؟

بدین‌روی، باید در امر ازدواج و تشکیل خانواده از پیوند با افراد نانجیب خودداری نمود؛ چراکه عدم شرافت خانوادگی ممکن است در نسل‌ها یکی بعد از دیگری انتقال یابد.

سوی هدف‌های دیگری مانند مال و ثروت رو می‌کند، به این دلیل است که وظیفه خود را در برابر خداوند درک نکرده است. اهمیت عبادت تا بدانجاست که حتی برترین بنده خدا نیز ملزم به انجام آن است. خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «ای جامه [به خود] پیچیده! شب را جز اندکی [برای عبادت] به پا خیز» (مزمّل: ۲۱).

ازدواجی که تنها بر مبنای مال و ثروت انجام می‌یابد، افزون بر آنکه برابر حدیث فوق، شخص به اهداف خود نمی‌رسد، از آسیب جدی تربیت معنوی - عبادی نیز به‌شمار می‌رود.

۳. زیبایی‌محوری

هرچند انسان، گرایش‌ها و نیازهای فطری و غریزی دارد - از جمله، گرایش به زیبایی همسر، و به همین دلیل، جمال را نمی‌توان در ازدواج نادیده گرفت - اما ازدواج، تنها به خاطر زیبایی و جمال، جلوه‌هایی از ازدواج ناموفق (به‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۲۱-۲۲) می‌باشد. از این‌رو، زیبایی نباید بزرگ‌ترین هدف باشد، به گونه‌ای که ایمان، عفت، و نجابت همسر را تحت الشعاع قرار دهد. همسر متدین، سودمندتر از همسر زیباست. در انتخاب همسر زیبا، اما فاقد دین‌داری، و یا همسر دیندار، اما فاقد زیبایی، ترجیح در گزینش همسری دین‌مدار است.

توجه به زیبایی در گزینش همسر، نباید از حد معمول تجاوز کند. چون خداوند برای هر یک از امیال حد تعادل قرار داده است، چنانچه در آنها افراط و تفریط صورت پذیرد، رسیدن به کمال مشکل می‌شود. میل به زیبایی نیز نباید انسان را از دیگر اوصاف همسر، به غفلت بکشانند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هرکس با زنی تنها برای جمالش ازدواج کند به مطلوب خود نخواهد رسید و هرکس فقط برای مال همسرگزیند، خدا او را به همین امر واگذار می‌کند. پس شما به خواستگاری زنی بروید که دیندار باشد» (حورعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۳۱).

۲. ازدواج با فاسق

تربیتی دارد. به دلیل اثرگذاری حماقت زوجین در فرزند، پیشوایان دین از انتخاب همسر بی عقل و سبک‌مغز منع فرموده‌اند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «از ازدواج با زن کودن و احمق بپرهیزید که هم‌نشینی با آن تباهی عمر، و فرزندش [نیز] ستمکار است» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷). حضرت در جایی دیگر فرمودند: «با زن احمق و سبک‌سر ازدواج نکنید؛ زیرا معاشرت با وی بلایی است بزرگ و فرزندش نیز ضایع خواهد بود» (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۵۶).

۴. غفلت از عفت و پاک‌دامنی همسر

همزمان با عصر نوزایی (رنسانس) در غرب، در امور ازدواج، دگرگونی ژرفی پدید آمد (دورانت، ۱۳۷۱، ص ۶۰۴). جایگاه فریبده زن ارتقا یافت. تابلوهای نقاشی، کتاب‌ها و شعرها را از صحنه‌های مستهجن آکنده ساختند. دیگر قید و بندی نبود تا زنان عصر رنسانس را به عفت وادارد. همین امر به افزایش کودکان نامشروع انجامید که «در هریک از شهرهای ایتالیای رنسانس یافت می‌شد» (همان، ص ۶۰۷). زنا با محارم گسترش یافت، پاک‌ی دختران رنگ باخت، و روسپی‌خانه‌ها به شدت افزایش پیدا کرد (همان).

برتراند راسل بر آزادی روابط جنسی، تکیه دارد. به نظر وی، ازدواج‌های قدیم، بر محور پاک‌دامنی زن، غیرت ناموسی مرد، حیا و حُجب زن و مذهبی بودن او، می‌چرخید. اما وی این ویژگی‌ها را مانع روابط جنسی می‌داند و خواهان برجیده شدن محدودیت‌هاست. وی از دیدگاهی دفاع می‌کند که در آن، «احساساتی از قبیل احساس شرم، احساس عفاف و تقوا، غیرت و... وجود نداشته باشد» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۳).

اما از منظر اسلام، ازدواج نباید بر پایه بی‌عفتی بنا گردد، زن و شوهر می‌خواهند تمام وجود یکدیگر را

هدف اصلی ازدواج، بقای نسل است. در اسلام، ازدواج با فاسق، ممنوع اعلام گردیده است. فلسفه این نهی آن است که چون فرزند، امانت الهی است، برای حفظ این امانت، باید در برگزیدن همسر - که پدر و مادر آینده است - دقت کرد. شوهر دادن دختر به فرد فاسق نارواست؛ زیرا در دامن شوهر فاسق، بعید است که فرزند صالح تربیت یابد. آنچه یقینی است اینکه فرزند، در پرتو وجود والدین صالح، به رستگاری می‌رسد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «در پرتو رستگاری پدران (و مسادران) خداوند فرزندان و فرزندان آنان را رستگار خواهد کرد» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۷۸).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «هرکس، دختر عزیز و با کرامتش را به مردی بی‌دین (وفاسق) شوهر دهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می‌شود» (نوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۸).

۳. ازدواج با سبک‌سر و غیرخردمند

ازدواج امر حیاتی است که معمولاً برای هرکس یک‌بار در طول زندگی، رخ می‌دهد. شرط خرد این است که آدمی درباره عقل و زیرکی همسرش تحقیق کند. پیوند با همسر احمق و کم‌خرد، بلایی است که خانواده را نابود می‌کند؛ زیرا همسر احمق، توان مدیریت اداره زندگی و تربیت معنوی - عبادی فرزند را ندارد. فرزندان همسر سبک‌مغز، نیز از رشد و بالندگی برخوردار نخواهند شد؛ زیرا کوتاه‌فکری والدین، بر شخصیت کودک اثر می‌گذارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴، ص ۱۵۲). امر زندگی و تربیت معنوی - عبادی فرزند کار آسانی نیست. همسر غیرزیرک نمی‌تواند بنیاد زندگی مشترک را با درایت بر پایه صحیحی استوار سازد و کانون خانواده را گرمی بخشد. بدین‌خاطر، ازدواج با فرد سفیه که قدرت اداره زندگی را ندارد، افزون بر آنکه خلاف شرع است، عواقب ناگوار

تصاحب نمایندند و دیگری در این کانون راه نداشته باشد. مرد انتظار دارد که همسرش پاکدامن باشد؛ زیرا زندگی با زن خیانتکار برای مرد غیرتمند قابل تحمل نیست. دین از ازدواج با فرد هرزه و بی‌عفت، بی‌زاری جسته است، به‌ویژه زنی که عیاش و دوست‌باز باشد. زنی که خداوند درباره او فرموده است: «و نه زنان زشتکار و معشوقه‌باز» (نساء: ۲۵).

زن نیز هنگام ازدواج، درصدد یافتن شوهر عقیف، و مورد اعتماد است که چشم‌چرانی نکند، قلبش را از محبت زنان بیگانه خالی نموده و تمام وجودش در انحصار همسر مشروعهش باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کفو بودن در این است که (شوهر و همسر) پاکدامن باشد و از امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۵۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جریان بیعت با زنان مکه، از آنان پیمان گرفت که پاسدار پاک‌دامنی و عفاف باشند (ممتحنه: ۱۲). آن حضرت فرمودند: آیا بدترین زن‌هایتان را معرفی کنم؟ گفتند: آری ای رسول گرامی! فرمود: زنی که در فامیلش پست و بی‌مقدار، و به شوهر فخر فروش، نازا و کینه‌توز باشد، از کار زشت رو نگرداند، در غیاب شوهر خود را بیاراید و در حضور وی بی‌پیرایه باشد، سخن شوهر را گوش نکند، از فرمانش اطاعت نکند، در خلوت به خواسته شوهر تمکین نکند، عذر وی را نپذیرد و از خطایش نگذرد (همان، ج ۲۰، ص ۳۴).

بی‌عفتی، همان‌گونه که سبب آسیب رابطه صمیمی زوجین می‌شود، موجب آسیب تربیت معنوی - عبادی فرزندان خانواده نیز می‌باشد. از این رو، کسانی که داوطلب ازدواج‌اند، با افراد غیرعقیف، پیوند برقرار نسازند؛ چراکه ناپاکی شوهر و همسر، طراوت زندگی و سلامت فرزندان را، نابود می‌کند. خداوند در مقام تکلم با حضرت آدم علیه السلام، به وی سفارش می‌کند: «عهد مرا بپذیر و آن را جز در اصلا ب مردان پاک و ارحام زنان عقیف به ودیعت مگذار»

(مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۲۷).

اگر پسر و دختر، هنگام ازدواج به این موضوع دقت نمایند، خود و فرزندانشان به پیامدهای بی‌عفتی دچار خواهند شد؛ چون بی‌عفتی والدین زمینه ناپاکی فرزندان و عدم تربیت معنوی - عبادی آنان را نیز فراهم می‌سازد.

۵. گزینش همسر بد اخلاق

بد اخلاقی و تندخویی، در روابط زوجین مشکلاتی ایجاد می‌کند و از محبوب شدن همسر و شوهر نزد یکدیگر می‌کاهد. درحالی‌که نهاد خانواده باید بر مهر و محبت بنا شود و زوجین در کنار هم به آرامش دست یابند تا بتوانند فرزندان با اخلاق، همراه با تربیت معنوی - عبادی، پرورش دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «و از نشانه‌های خدا اینک همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد» (روم: ۲۱).

برابر روایات، نباید با همسر بد اخلاق و کج رفتار ازدواج کرد؛ زیرا وی شریک زندگی است. همسر تندخو، نمی‌تواند خستگی‌های روحی و جسمی طرف دیگر را بزداید و نیز از تربیت معنوی - عبادی فرزندان عاجز خواهد بود. تندخویی، لجبازی، پررویی، بدزبانی، و کینه‌توزی از مصادیق بد اخلاقی است. چنانچه شریک زندگی بد اخلاق باشد، دیگر در خانه جایی برای مسرت، شادابی، و تربیت فرزند وجود ندارد. «بد اخلاقی اعمال نیک را بر باد می‌دهد، همان‌گونه که سرکه غسل را نابود می‌کند» (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۵۲). همسر بد اخلاق اگر وجودش به مثابه غسل باشد، بدخلقی وی، آن‌گونه وجود او را به فساد می‌کشانند که سرکه غسل را.

تغییر دادن اخلاق بد، هرچند که محال نیست، اما دشوار است. افراد بد اخلاق با امتیازات دیگر، باز هم صلاحیت همسری را ندارند، ائمه اطهار علیهم السلام پیروان خود را

عقب ماندگی فکری، رشد نامناسب، کندذهنی، تمایل به جنایت و دیوانگی‌های حاد، از آثار الکلی و شراب‌خواری مادر بر فرزندان است (حجتی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۳). در روایت آمده است: زنی که کودک فلج و ناقصی در آغوش داشت، نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای پیامبر! مگر نمی‌گویید خدا عادل است و به کسی ستم نمی‌کند؟ حضرت فرمود: آری. زن گفت: ولی خداوند به من ستم کرده و چنین بچه‌ای به من داده است. رسول خدا پس از لحظه‌ای درنگ فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش با تو شراب خورده بود؟ زن پاسخ داد: آری. حضرت فرمود: بنابراین، جز خودت کسی را سرزنش مکن [این بر اثر مستی و شراب‌خواری است].

قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و... از عمل شیطانند، پس از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد» (مائده: ۹۰ و ۹۱).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هرگاه شراب‌خوار به خواستگاری دخترتان آمد، به او زن ندهید (حرّ عاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۵۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس دخترش را به ازدواج با شراب‌خوار درآورد، خویشاوندی خود را با وی بُریده است» (همان).

ازدواج با شراب‌خوار، به آبرو، حیثیت و دین آدمی لطمه می‌زند، و نیز زمینه‌آسیب تربیت معنوی - عبادی فرزندان را فراهم می‌سازد. بدین‌رو، پسر و دختر باید مراقب باشند که در دام چنین همسرانسی نیفتند، و نیز والدین تلاش نمایند فرزندان‌شان را در دام خطرناک شراب‌خوار گرفتار نسازند، وگرنه نسلشان را تباه نموده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آثار حرام [شرب خمر و مانند آن] در نسل آشکار می‌شود» (همان، ج ۱۷، ص ۸۱).

از پیوند با آنان باز می‌داشتند. حسن بن بشار می‌گوید: به امام رضا علیه السلام نوشتم: یکی از اقوام از دخترم خواستگاری کرده، ولی اخلاق بدی دارد. حضرت در پاسخ نوشتند: اگر دچار بد اخلاقی است به او دختر نده (همان، ج ۱۴، ص ۵۴). اگر شوهر و همسر، شرافت اخلاقی به نظرشان ارزنده نیاید، فرزندان‌شان، زیون، فرومایه و با دنائت اخلاق، بارمی‌آیند. در خانواده‌ بد اخلاق، پرورش فضایل اخلاقی و تربیت معنوی - عبادی فرزند دشوار است، بلکه فرزندان به عادات پست و اخلاق خشن خو می‌گیرند. به یقین، یکی از شاخص‌های موانع تربیت فرزند، انتخاب همسران بد اخلاق است. آسیب‌رسانی بد اخلاقی، در تخریب بنیاد خانواده بسیار روشن است.

همسر، از نظر اخلاق جنسی نیز نباید فاسد باشد؛ زیرا زندگی خانوادگی و تربیت فرزند صالح، نیازمند پاکسی اخلاقی در تمام زوایای زندگی، به ویژه امور جنسی می‌باشد.

۶. ازدواج با شراب‌خوار

نحوه رفتار والدین، در انتقال خوبی‌ها و بدی‌ها به فرزند، اثر دارد. بدین‌روی، اسلام، ازدواج با مشروب‌خوار را نهی کرده است؛ زیرا زیان‌های مشروب بر جسم و عقل آدمی، زندگی را از معنویت و عقلانیت تهی می‌سازد و با تأثیر بر نطفه و اعضای بدن، فرزندان ناقص و نسلی ناتوان تحویل می‌دهد. داوطلب ازدواج، نباید با شخص فاسق، آلوده، بی‌نماز، خیانتکار و یا مشروب‌خوار ازدواج کند، گرچه ثروتمند و دارای مقام باشد. اسلام، پاکی را شرط مهم ازدواج دانسته و ازدواج با مشروب‌خوار را نهی نموده است. شراب‌خواری نه تنها دام‌نگیر شخص شراب‌خوار می‌شود، بلکه کودکان خانواده را نیز گرفتار می‌کند. اطفال مادران شراب‌خوار ناتوان و به تشنج مبتلا هستند، استقامت آنان در برابر مشکلات کم است و در برابر عفونت‌ها آسیب‌پذیر خواهند بود. نقص فکری و دماغی، کوری، لالی،

۷. ازدواج با معتاد

افراد غیرخردمند، پیوند زناشویی را بر پایه‌های لرزان، مانند ازدواج با معتاد بنیان می‌نهند. چنین ازدواجی، استحکام نداشته و عواقب ناگواری دارد. هرچند که در زمان پیامبر ﷺ و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام مواد مخدر امروزین وجود نداشته تا درباره آنها نظر داده باشند، اما از ملاک‌های حرمت شراب خواری و فلسفه منع آن، می‌توان به دست آورد: مصرف هر چیزی که به عقل و روان آدمی صدمه بزند، خودفراموشی و نَشگی آورد، مانند شراب است. امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند شراب را به سبب نامش حرام نکرده، بلکه به خاطر پیامدهایش حرام کرده است، پس هر چیزی که عواقب شراب را داشته باشد، آن نیز حرام است» (همان، ج ۲۵، ص ۳۴۲).

شارع حکیم ازدواج با مشروب‌خوار را به سبب آثار ویرانگر تربیتی و خانوادگی آن حرام نموده است. ازدواج با معتادانی که هروئین، حشیش، تریاک و یا قرص‌های روان‌گردان را مصرف می‌کنند، نیز همانند شراب‌خواری عواقب بدی را در پی دارد؛ زیرا مصرف این‌گونه مواد، عقل را به‌طور موقت زایل می‌کند و در واقع، آثار شراب را دارد. زیان‌های الکل و شراب در تریاک و دیگر مواد افیونی، وجود دارد. مثلاً، مصرف تریاک آثار فیزیولوژیکی منفی مانند کاهش فشار خون، کند شدن حرکات دستگاه گوارشی و وقفه تنفسی را در پی دارد. فرد پس از مصرف آن به سرعت دچار بهت‌زدگی، درماندگی و ناامیدی شدیدی می‌گردد (بهرامی، ۱۳۸۳، ص ۳۱). مصرف مواد مخدر افزون بر زیان مصرف‌کننده، به اطرافیان، به ویژه به فرزندان خانواده نیز زیان‌های جبران‌ناپذیر وارد می‌کند (احسانی، ۱۳۸۷، ۶۲). زیان‌های ناشی از اعتیاد که به جنین وارد می‌شود، شامل: تشنج مزمن، ناپایداری بهره هوشی، اختلال روانی، فساد اجتماعی، خودکشی، انحراف‌های جنسی و اخلاقی، ارتکاب فحشا، دروغ‌گویی، مرگ

زودرس و مسانند آن (حجتی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۶۹) می‌باشد. بدین خاطر، نباید از ازدواج با افراد معتاد، تربیت نسل سالم و فرزندان شایسته را انتظار داشت. در واقع، مصرف مواد مخدر نیز از آسیب‌های تربیت معنوی - عبادی فرزندان خانواده‌های معتاد خواهد بود.

۸. عدم توازن سنّی زوجین

هرچند که زن و مرد بالغ در هر سنّی، می‌تواند با دیگری در هر سنّی که باشد، ازدواج کند، اما نابرابری سنّی، از دو بعد روانی و فیزیولوژیک چندان مناسب نیست؛ چراکه خصوصیات روانی یک نوجوان با ویژگی‌های روانی فرد سالخورده قابل مقایسه نیست. از این‌رو، ازدواج مرد سالخورده با دختر جوان به دلیل تفاوت شرایط روانی، به خوشبختی نمی‌انجامد. عروس جوان به علت عدم ارضای نیازهای روانی، یا اقدام به طلاق می‌نماید و یا با دلمردگی در انتظار مرگ شوهر، روزشماری می‌کند. مرد سالخورده نیز برای ارضای نیازهای همسر جوان، تظاهر به جوانی کرده و رفتارهای نامناسب، به نمایش می‌گذارد (ر.ک: تقویت نظام خانواده، ۱۳۸۶).

از جنبه فیزیولوژیک نیز خصوصیات نوجوان با فرد کهنسال متفاوت است. مرد کهنسال به خاطر ضعف جسمی، قادر به تأمین نیاز جنسی همسر جوان نبوده و به این دلیل، احساس حقارت می‌کند. به همسر جوان نیز احساس سرخوردگی رخ می‌دهد (همان). اگر زوجین تناسب سنّی نداشته باشند، از تمایلات جنسی مساوی برخوردار نبوده، نمی‌توانند به خواسته‌های طبیعی همدیگر پاسخ دهند؛ در نتیجه، نسبت به یکدیگر دلسرد شده و زندگی سعادت‌مندی نخواهند داشت.

بنابراین، فرد داوطلب ازدواج باید به تناسب سنّی، توجه کند؛ چون در این صورت، بهتر با هم تفاهم نموده و آرامش خانوادگی فراهم می‌شود. افزون آنکه زوجین با تناسب سنّی، در جهت تجربه خانوادگی، بهتر می‌توانند

هم درآیند، سرانجام با طلاق از هم جدا خواهند شد. با آمدن خواستگار، والدین باید ویژگی‌های داماد را در اختیار دختر قرار دهند؛ اگر دختر و پسر همدیگر را پسندیدند، ازدواج صورت گیرد. گاهی والدین بدون نظرخواهی و به صورت تحمیلی، برای فرزندان خود تصمیم ازدواج می‌گیرند. برخی فرزندان از روی شرم و یا تهدیدهای والدین، ازدواج اجباری را می‌پذیرند. در نتیجه، دختر را به خانه‌ای می‌فرستند که نه خانه و نه صاحب آن را دوست دارد. او نه تنها به شوهر تحمیلی محبت نمی‌کند، بلکه دنبال بهانه می‌گردد، و با عکس‌العمل شوهر، ناسازگاری آغاز می‌شود. اگر کار به جدایی هم نکشد، آنان عمری را در عذاب می‌گذرانند. سرنوشت آشفته فرزندان چنین خانواده‌ای نیز روشن است. مسئولیت آن بر عهده والدین است که هنگام انتخاب داماد یا عروس، بدون توجه به خواسته فرزند چنین ازدواجی را به او تحمیل کردند و فرزند خود را از حق آزادی در انتخاب همسر، محروم ساختند. ازدواج‌های مصلحتی نیز سعادت‌آفرین نیست؛ زیرا بدون توجه به رابطه قلبی دو طرف، شوهر و همسر وجه‌المصالحة افراد و یا مسائل دیگر می‌شوند (همان، ص ۷۱).

امام صادق علیه السلام در روایتی، بر موضوع عدم اجبار در انتخاب همسر تصریح کرده و در پاسخ به ابن‌ابی‌یعفور که از آن حضرت پرسیده بود: من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم فرد دیگری را در نظر گرفته‌اند، فرمود: «با زنی ازدواج کن که خود می‌خواهی، و زنی را که پدر و مادرت می‌خواهند، رها کن» (کلینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۴۰۱). بنابراین، ازدواج تحمیلی نیز از آسیب‌های تربیت معنوی - عبادی فرزندان می‌باشد؛ زیرا تربیت اینچنینی فرزند در صورتی میسر است که زن و شوهر به همدیگر علاقه داشته باشند. اما با تنفر آنان از همدیگر، و کشمکش خانوادگی، روشن است که تربیت معنوی - عبادی فرزندان، ره به جایی نمی‌سپارد.

در حل مشکلات زندگی به یکدیگر یاری رسانند. البته دختران زودتر از پسران به بلوغ طبیعی می‌رسند (فلسفی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۴) و ممکن است از پسران هم‌سن خود، از لحاظ قد و وزن تا دوره بلوغ آنان پیش بیفتند (کلاین برک، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۱۴). با توجه به اینکه منابع فقهی نیز فاصله بلوغ دختر و پسر را شش سال دانسته‌اند (امام خمینی، توضیح‌المسائل، مسئله ۲۵۲)، بهتر است که زن تا حدود پنج یا شش سال، از مرد کوچک‌تر باشد؛ چراکه زن‌ها در اثر بارداری و زایمان غالباً زودتر از مردها سلامتی را از دست می‌دهند (امینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). صلاح زوجین آن است که زن از شوهر کوچک‌تر باشد تا بتواند مدت بیشتری تمایلات جنسی شوهر را ارضا کند (همان). اما نباید تفاوت چندان باشد که زوجین صفای زندگی را از دست بدهند (همان). عدم رعایت تناسب سنی، ممکن است زمینه فساد جنسی را نیز فراهم کند که در آن صورت، رسوایی آن قابل‌جبران نیست (قائمی، ۱۳۶۳، ص ۵۲). بی‌تردید، نابرابری سنی زوجین، سبب بروز اختلاف خانوادگی و از عوامل آسیب‌زا در تربیت معنوی - عبادی فرزندان خواهد بود.

۹. ازدواج‌های تحمیلی

استحکام خانواده، به اختیار هریک از دو طرف ازدواج در گزینش همسر، بستگی دارد. از تشبیه همسران به «لباس» استفاده می‌شود همان‌گونه که فرد در انتخاب لباس دلخواه خود آزاد است، بر همین اساس، آزادی افراد در انتخاب همسر، با رعایت مصالح و مقررات دینی، امری روشن است. اگر انتخاب همسر برای آرامش است، باید فرد در انتخاب همسر آزاد باشد. ازدواج تحمیلی نمی‌تواند آرامش کسی را فراهم سازد. در مواردی، ازدواج صورت جبری دارد؛ چنان‌که پدری طبق میل خود، دختر را شوهر دهد. این ازدواج در عین باطل بودن، زمینه‌ساز سعادت خانواده نیست. دختر و پسری که با اکراه و اجبار به ازدواج

نتیجه‌گیری

تحقق تربیت عبادی - معنوی فرزندان در خانواده با فراهم کردن زمینه آن در آغاز ازدواج با انتخاب همسر مناسب حاصل می‌شود. بدون اجتناب از آسیب‌های این عرصه در همسرگزینی، پرورش معنوی فرزندان با سختی‌های فراوانی همراه خواهد بود. راهکارهای پیشنهادی اسلام برای جلوگیری از شکست زوجین در تربیت عبادی - معنوی فرزندان، رفع آسیب‌هایی است که به سه عرصه شناختی، گرایشی و رفتاری قابل تقسیم است. آسیب‌های شناختی عبارتند از: عدم شناخت اصول زندگی مشترک، جهل نسبت به اوصاف همسر مناسب، ناهم‌سوایی فکری و فرهنگی زوجین، جهل نسبت به اهداف متعالی ازدواج، غفلت از توافقات اخلاقی. آسیب‌های گرایشی شامل عشق محوری کورکورانه، ثروت‌محوری و زیبایی‌محوری در ازدواج است. آسیب‌های رفتاری عبارتند از: پیوند با خانواده نانچیب، عدم توازن سنی زوجین، ازدواج با همسری که یکی از این صفات را دارد: شراب‌خواری، بداخلاقی، اعتیاد، فسق، حماقت، و بی‌عفتی.

منابع

- احسانی، محمد (۱۳۸۷)، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۴)، آشنایی با وظایف و حقوق زن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۹۰)، انتخاب همسر، چ نوزدهم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ایمانی، محسن (۱۳۸۱)، بررسی ابعاد تربیتی و روان‌شناختی دوران عقد، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۸۸)، ازدواج موفق و خانواده سالم چگونه؟، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- بهرامی، هادی (۱۳۸۳)، اعتیاد و فرایند پیشگیری، تهران، سمت.
- تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن (۱۳۸۶)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- حبیب‌زاده، سیداحمد (۱۳۸۱)، پیوند آسمانی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۷۰)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرّعاملی، محمدبن حسن (بی‌تا)، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حیدری، مجتبی (۱۳۸۵)، دین‌داری و رضامندی خانوادگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- دورانت، ویل (۱۳۷۱)، تاریخ تمدن، ترجمه صفدر تقی‌زاده و دیگران، چ سوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ساجدی، ابوالفضل و مهدی مشکى (۱۳۸۷)، دین در نگاهی نوین، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴)، روان‌شناسی رشد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۶۵)، مکارم‌الاخلاق، چ دوم، تهران، فراهانی.
- غباری‌بناب، علی، «باورهای مذهبی و اثرات آنها در بهداشت روان» (۱۳۷۴)، اندیشه و رفتار، ش ۴.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۳۷۳)، شیوه همسر‌داری، ترجمه لطیف راشدی، بی‌جا، پیام آزادی.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۷)، بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی.
- قائمی، علی (۱۳۶۳)، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- قرشی، باقر شریف (۱۳۸۹)، نظام خانواده در اسلام، ترجمه لطیف راشدی، چ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- کلاین برگ، اتو (۱۳۷۰)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران، اندیشه.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۸)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گاتمن، جان و نان سیلور (۱۳۸۸)، هفت اصل اخلاقی برای موفقیت در ازدواج، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، آسیم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹)، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، چ چهارم، تهران، صدرا.
- نوری، میرزا‌حسین (بی‌تا)، مستدرک‌الوسائل، بیروت، داراحیاءالتراث العربی.